نبرد خوزستان
دو هفته نامه فرهنگی ، سیاسی

هفته دفاع مقدس گرامی باد

مدافعان وطن

ویژه نامه گرامیداشت شهدای ۳۱ شهریور

سردارسرتیپ شاهوارپور:

تا آخر در کنار خانواده های شهدا خواهیم ماند

۴

گزارش

سرانجام دشمنی با ملت ایران

گوشه ای از جنایات صدام و حامیانش

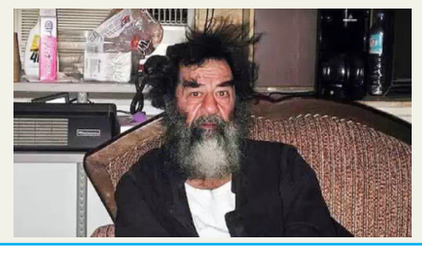

۳

گزارش ویژه

خوزستان، قربانی تروریسم

گزارشی از ۱۵ اقدام تروریست های تکفیری و تجزیه طلب در ۴۰ سال اخیر

رها عبداللهی

۲

گزارشی از اتفاقات پس از حادثه

پیام امام؛ خروش ملت؛ «ضربت محرم»

۴

مطالبه

مطالبات خانواده های شهدای ترور رژه:

از مجازات عاملین و مرتبطین حادثه تروریستی تا برخورد با مسئولینی که در انجام وظیفه غفلت کردند

۴

یادداشت مدیر مسئول

مقاومت، کرامت خوزستان و شهادت، شرافت خوزستانی

«ایران از بابت تشیع وام دار دو مجموعه انسانی است، یکی اهواز(خوزستان) و دیگری جبل عامل(لبنان)». این جمله از رهبر معظم انقلاب در وصف خوزستان است.

اقوام خوزستانی اعم از فارس، عرب، لر، کرد، ترک و غیره از قرن ها قبل از اسلام در این خطه حضور داشته اند و البته این خصلت همه تمدن های بشری است که انسان ها و اقوام دست به مهاجرت می زده اند. بدین گونه در عصر اسلام و در زمان حکومت بنی امیه و بنی عباس بر سرزمین های اسلامی، این شیعیان اصیل و نوادگان بزرگان شیعه بوده اند که بعلت فشار بنی امیه و بنی عباس با مهاجرت به خوزستان در این خطه قهرمان ماندگار شده اند.

خوزستان دروازه تشیع به ایران است چه از آن جهت که عرب ایرانی در خوزستان به واسطه مشابهت زبانی با عرب شیعه عراقی، اسلام را با جان و دل پذیرفت و به ایران منتقل کرد و چه از این جهت که بزرگترین علمای اسلامی در عصر ائمه، علمایی چون حسین بن سعید اهوازی، حسن بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار اهوازی که این افراد معاصر دوران امام رضا(ع) و امام جواد(ع) و امام هادی(ع) بوده اند ۱۲۰ جلد کتاب نوشتند که عمدتاً احادیثی بود که یا خود از ائمه بزرگوار شنیدند یا از یاران صدیق حضرات اهل بیت علیهم السلام گرفته بودند.

سپس در زمان غیبت امام مهدی(عج)، بزرگانی همچون «حسین بن روح نوبختی» که سومین نائب خاص حضرت و از اهالی خوزستان بوده و سایر بزرگان، فرهنگ ناب شیعه را به خراسان، قم و ری منتقل کرده اند.

اقوام خوزستانی بالخصوص عرب با غیرت ایرانی، همواره خود را ایرانی دانسته و هیچوقت به بیگانگان توجه نکرده اند. تاریخ هزارساله ایران و خوزستان بیانگر این مسئله مهم است که خوزستان همیشه خط مقدم جبهه دفاع از وطن و خاک ایران بوده است.

نمونه این وطن دوستی و تفکر تشیع در بین اقوام جنوبی کشور، جهاد رئیسعلی دلواری ها در بوشهر، استکبار ستیزی و مبارزه بختیاری ها به سردمداری بی بی مریم و شیرعلی مردان خان با انگلیسی ها، قیام ۱۳۱۶ بهمئی ها در برابر رضاخان و به خصوص جهاد عشایر عرب در سال ۱۲۹۲ شمسی است.

در جریان جنگ جهانی اول، بین متفقین(انگلیس، روسیه و فرانسه) و متحدین(آلمان، اتریش، عثمانی و بلغارستان)، دولت مرکزی ایران به سلطنت احمدشاه قاجار، اعلام بی طرفی کرد اما این بی طرفی هیچ تأثیری در اراده دولت بریتانیا برای اشغال خوزستان نداشت!

انگلیسیها، خوزستان را برای اینکه عقبه ای برای نیروهایشان در عراق باشد که به قصد براندازی امپراطوری عثمانی آمده بودند، اشغال کردند. شرکت نفت را انگلیس در زمان قاجاریه به سرانجام رسانده بود که این لوله های نفت، سوخت ماشین جنگی انگلیس را تأمین میکرد و هم برای کمک به نیروهایشان در عراق اهمیت حیاتی داشت. بنابراین میبایست این لوله های نفت را حفظ میکردند. از طرف دیگر خوزستان و خلیج فارس گلوگاه ایران است. برای اینکه تسلط خودشان را بر همه کشور تثبیت کنند، آمدند و خوزستان را اشغال کردند و نیروهایشان از طریق خرمشهر و آبادان وارد شدند و در اهواز متمرکز شدند.

در کنار بی عرضه گی دولت مرکزی و ترس از بریتانیا و همچین بی تفاوتی شیخ خزعل که حاکم و نماینده قاجار در خوزستان و عضو لژ فراماسونری بود و به انگلیسی ها خدمت می کرد، اما عشایر عرب به فتوای آیت الله سیدکاظم یزدی مرجع بزرگ شیعه در نجف، به پا خاستند و در چهار جبهه با انگلیسی ها درگیر شدند و وقتی با سلاح های ساده و سبکی چون شمشیر، فاله، مگوار و تعداد بسیار کمی تفنگ مارتینی، جلوی ارتش مجهز به توپ و انواع سلاح های سنگین ایستادند، به پیروزی رسیدند.

مشهور است که بعد از جهاد عشایر عرب، مجاهدین هوسه(شعار) سر می دادند: «الطوب افخر لو مگواری». به این معنا که توپ تو کارسازتر و برتر است یا سلاح من (مگوار)!

این شعار همان مردمی است که در مبارزه با سیل وسیع فروردین ۹۸ هوسه می خواندند: «شط را به گریه انداختیم اما ما گریه نکردیم، مقاومت کردیم».

مجاهدین بعد از این جهاد، به رهبری برخی از علما به باغملک و ایذه و سپس کهگلویه و بویراحمد و چهارمحال بختیاری و ایل قشقایی در شیراز و اصفهان رفته و شهر به شهر از آنان استقبال شد و سپس با وحدت همه اقوام به خوزستان سرازیر شده ودر کنار اقوام خوزستانی جنگیدند و خوزستان را از اشغال بریتانیا خارج کردند!

داستان اقوام غیور خوزستانی به اینجا ختم نشد. در دوره رضاخان با کشف حجاب اجباری رضاخانی مقابله کرده و حاضر به کشف حجاب زنانشان نشدند و علی رغم مبارزه رضاخان با مراسمات عزاداری اباعبدالله الحسین و ممنوعیت لباس روحانیت و سرکوب عشایر، مجاهدانه ایستادند و تا پایان پهلوی هزاران شهید را تقدیم انقلاب کردند.

صدام با شعار عربیت به جنگ با ایران آمد و شهرهایی که اکثر عرب نشین بودند را اشغال کرد و مدعی شد باید خوزستان را نجات دهم! اما اولین سیلی را از عرب با غیرت خوزستانی خورد. اشغال خرمشهر، سوسنگرد، دشت آزادگان و هویزه و محاصره آبادان اما باعث نشد تا عرب با غیرت خوزستانی ترک دیار کند و عرصه را به صدامیان واگذار کند.

خوزستان در جنگ ۸ ساله قریب ۲۳ هزار شهید تقدیم به امام روح الله خمینی(ره) و اسلام و ایران کرد که قریب ۱۲ هزار از این ۲۳ هزار شهید، از قوم با شرف عرب بوده اند که فقط یکی از آنان یوسف هور، سردار علی هاشمی است که رهبر عزیز و فرزانه انقلاب در وصف او فرموده: «شهید علی هاشمی، سردار جوان عرب خوزستانی در برابر صدام ایستاد اینها در تاریخ ماندگار است».

مقاومت در برابر بیگانگان و منافقین، کرامت خوزستانی هاست و شهادت، شرف خوزستانی ها؛ اهل این دیار خود اولین کسان بوده اند که ریشه منافقین و تجزیه طلبان را خشکانده اند. اگر برخی در لباس عرب خوزستانی قصد فریب افکار عمومی را دارند، همین را در سازمان منافقین هم می بینیم که خود را فارس و ملی گرا می دانند؛ اما ۱۷ هزار ایرانی را ترور و در جنگ به صدام خدمت کرده اند و این توطئه های انگلیسی در سایر اقوام هم دیده می شود. اما امروز عرب خوزستانی در کنار سایر اقوام ایرانی، حافظ ملیت و خاک ایران و عزت این سرزمین است.

داود مدرسی یان

دبیر صفحه:
رها عبداللهی

فریاد خوزستان بررسی می کند:

خوزستان، قربانی تروریسم

گروهک های خلق عرب و تکفیری

تحرکات این گروه ها بسیاری اوقات هم پوشانی داشته و گاه فقط با رویکردهای جدایی طلبانه بوده. رویکردهای تکفیری از دهه هشتاد بروز عملیاتی پیدا کرد.تلاش برای بستن پالایشگاه آبادان در سال ۵۸، انفجارهای مکرر خطوط انتقال نفت خوزستان در اوایل انقلاب توسط خلق عرب، تیراندازی‌های شبانه، تهدید به ترور، آتش زدن بازار و غارت آن تنها بخشی از اقدامات سازمان موسوم به خلق عرب در جهت ناامن کردن خوزستان در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی بود.

گزارشی از ۱۵ حادثه تروریستی خوزستان در چهل سال گذشته

خوزستان همانند گنجی ست که همواره مورد رشک و دست اندازی شغالان و کفتارها بوده که نمی خواستند بپذیرند خوزستان و خوزستانی دردانه ی ایران است و هویت شیعی و ایرانی اش را با هیچ چیزی عوض نمی کند. بخاطر همین تعلق خاطر ایرانی - شیعی، خوزستان همواره زخم خورده تروریست های جدایی طلب، ضد انقلاب و تکفیری بوده است. اما تلاش هایشان بی حاصل بوده و پس از چهل سال نه توانسته اند تپه ای را در خوزستان فتح کنند، و نه حتی برای مقطعی کوتاه همراهی مردم را داشته باشند.

این دشمنان مردم خوزستان هرگاه نتوانستند با فعالیت های فکری و فرهنگی توفیقی در جلب توجه مردم داشته باشند، دست به انتقام کور زده و حوادث و جنایاتی را رقم زدند. این حوادث را در دو بخش منافقین و نیز جدایی طلبان و تکفیری ها مرور می کنیم. علت یکی قلمداد کردن جدایی طلبان و تکفیری ها این است که تفکیک عملیات های این دو گاه سخت است. چرا که همکاری گسترده شان سبب شده گاهی با فکر و دستور جدایی طلبان و عوامل اجرایی تکفیری حوادث رخ دهد.

حمله مسلحانه به مردم خرمشهر

۱

تلاش برای تسخیر شهر، آتش زدن کشتی های بزرگ، پمپ بنزین ها و برخی مراکز مهم در خرداد ۵۸.

در این حمله تروریستی، ۲۱ نفر شهید و ۷۶ نفر زخمی شدند و به این ترتیب، این گروهک با به شهادت رساندن عده‌ای از مردم و پاسداران، جنایت دیگری را در کارنامه سیاه خود ثبت کردند.

حمله به مسجد جامع خرمشهر

۲

حمله به مردمی که در اعتراض به جنایات تجزیه طلبان در مسجد جامع خرمشهر تحصن کرده بودند در ۲۹ خرداد ۵۸.

روزنامه جمهوری اسلامی در شرح این اقدام می نویسند: «حدود ساعت ۴ و نیم صبح بود که صدای شلیک گلوله‌های پی در پی مردمی را که در مسجد بخواب رفته بودند وحشت‌زده بیدار کرد. پس از مدتی صدای گلوله‌هایی از سوی شهربانی که مورد حمله سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان قرار گرفته بود وضع شهر را کاملا متشنج کرد. مجددا مسجد با کوکتل مولوتوف و مسلسل از سوی یک پیکان سفید رنگ مورد حمله قرار گرفت. قابل توجه است که در این لحظه ناگهان چندین نقطه حساس شهر مانند انبارها و پمپ بنزین‌ها و مغازه‌های بزرگ مورد آتش‌سوزی و حمله مهاجمان قرار گرفت... پس از مدتی مسجد محل تجمع مردمی قرار گرفت که سراسیمه تقاضای کمک می‌کردند...»

حمله به مردم و غیرنظامیان، ترورهای کور و جنایت‌هایی از این قبیل، یکی از شیوه‌های سازمان خلق عرب بود که ماهیت آن سازمان ضد مردمی را نشان می‌داد.

حمله به مراسم شهادت یک پاسدار در خرمشهر

۳

در ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸حمله به مراسم سومین روز شهادت یکی از پاسداران به نام انوشیروان رضایی در مسجد جامع خرمشهر یکی دیگر از جنایت‌های گروهک موسوم به خلق عرب بود که البته منجر به ختم غائله آن‌ها در جنوب خوزستان شد. مردم برای شرکت در مراسم شهید در مسجد جامع جمع شدند که گروهک‌های تجزیه طلب با نارنجک به مردم و نمازگزاران حمله ور شدند. عده زیادی مجروح شدند و مردم با شعار "الله‌اکبر" به خیابان ریختند. تیراندازی شدیدی آغاز شد و خون مردم بی‌گناه همه جا را سرخ کرده بود. از پشت‌بام‌ها به مردم تیراندازی می کردند. بر اثر این حمله ۷ تن شهید و حدود ۶۰ نفر زخمی شدند.

پس از این حادثه، شدت عمل نهادهای انقلابی و مردمی برای مقابله با توطئه‌های آن‌ها بیش از پیش شد و در اقداماتی هماهنگ نقشه‌های این گروه‌های تجزیه‌طلب و حامیان غربی و عربی‌اش نقش بر آب شد اما جنایت‌های تروریستی این گروهک تجزیه طلب در حافظه تاریخی مردم خوزستان و ملت ایران ثبت و ضبط شد.

تیراندازی به ایست بازرسی در اهواز

۴

۲۶ فروردین ۸۴ دو راکب موتورسوار با نزدیک‌شدن به محل ایست و بازرسی به‌سوی مأموران شلیک کردند. در این تیراندازی یکی از مأموران نیروی انتظامی و یکی از عابرین پیاده به‌شهادت رسیدند و ۲ نفر از مأموران و یک عابر هم زخمی شدند. واحد مرکزی خبر ایران در تاریخ یک اردیبهشت ۸۴ دستگیری این افراد را اعلام کرد. چند شب پس از این دستگیری‌ها در کوت عبدالله ۲۰ دقیقه تیراندازی هوایی از سوی تظاهرکنندگان در یک تجمع اتفاق افتاد.

بمب گذاری های سال ۱۳۸۴ در اهواز

۵

تشکیلات تروریستی تجزیه طلب، از شهریور تا آبان ماه ۸۴ اقدام به بمب گذاری در فرمانداری اهواز، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمان مسکن وشهرسازی، شرکت طرح توسعه نیشکر خوزستان، چاه شماره ۱۷۹ نفت، دو محل از خطوط لوله ورودی و خروجی منتهی به چاه ۱۷۹، خطوط لوله نفت آبادان، اداره کل منابع طبیعی استان خوزستان، بانک سامان منطقه کیان پارس، شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی استان، فرمانداری های آبادان و دزفول نمودند.

در اثر این عملیات ها تعداد ۱۴ نفر از هموطنان مظلوم و بی گناه شهید و بیش از ۱۵۰ نفر نیز زخمی شدند و خسارات مالی بسیار هنگفتی نیز به اماکن دولتی و خصوصی وارد شد.

بمب گذاری ۲۳ مهرماه ۸۴ - خیابان نادری اهواز

۶

از دیگر جنایات این گروه بمب گذاری ۲۳ مهر در خیابان نادری در ماه رمضان و در شلوغ ترین زمان ممکن، ساعتی پیش از اذان مغرب، بود که به کشته شدن ۶ نفر و مجروح شدن بیش از ۱۰۰ تن انجامید. اوج بی شرمی و بی رحمی این گروه آنجا بود که ابتدا یک بمب صوتی و هنگامی که مردم در محل جمع شدند بمب اصلی منفجر شد. در بین کشته شدگان و زخمی ها تعداد زیادی از هم وطنان عرب نیز وجود داشت که این گروهک تجزیه طلب ادعای دفاع از حقوق عرب می کرد!

نکته جالب ماجرا آنجاست که سایت وابسته به شبکه سعودی العربیه به گونه ای حادثه تروریستی اهواز را مورد پوشش خبری قرار داده که حمایت تلویحی آن از عوامل تروریستی را آشکار می سازد. این شبکه سعودی به جای «حادثه تروریستی» از «حمله مسلحانه» استفاده کرده است.

حمله به چادر نیروی انتظامی در حمیدیه

۷

در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۴ نیز همین گروه تروریستی با حمله به یک چادر نیروی انتظامی در پارک گمبوعه شهرستان حمیدیه سه نفر از ماموران انتظامی را شهید و ۲ نفر را زخمی کردند که تمامی عوامل این حادثه نیز دستگیر شدند.

حمله تروریستی به موکب عزای حسینی در صفی آباد دزفول

۸

در حمله یک گروه تروریستی به دسته عزاداری در شامگاه ۲۳ مهرماه سال ۱۳۹۴ در صفی آباد دزفول ۲ نفر کشته و ۳ نفر زخمی شده بودند. کمی بعد تروریست ها دستگیر و به دار مجازات آویخته شدند.

حمله به یک کلانتری در اهواز

۹

تروریست ها در روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۹۶ به کلانتری ۲۲ اهواز حمله کردند و ۲ نفر از کارکنان نیروی انتظامی را به شهادت رساند. در کمتر از ۴۸ ساعت با تعقیب و پیگیری نیروهای اطلاعات سپاه حضرت ولی عصر (عج) خوزستان این عوامل تروریستی در هنگام خروج از مرز در یک درگیری دستگیر و تحویل مقامات شدند.

تیراندازی شبانه به دو حوزه علمیه

۱۰

فروردین ۹۷ حمله تروریست های وابسته به شبکه ماهواره ای احوازنا در نیمه شب با صورت هایی پوشیده، اقدام به تیراندازی با اسلحه گرم و پرتاب بطری های بنزین به سمت درب مدرسه علمیه امام حسین(علیه السلام) منطقه کوی علوی اهواز کردند. در این حادثه هیچ کس آسیب ندید. مشابه این اتفاق برای حوزه علمیه الغدیر فاز یک نیز تکرار شد.

تیراندازی به خودرو گشت پلیس در ماهشهر

۱۱

بامداد شنبه هفتم بهمن ماه ۹۷ این افراد در بلوار آیت الله خامنه ای بندرامام خمینی(ره) شهرستان ماهشهر خودرو گشت کلانتری ۱۳ این شهرستان را با سلاح کلاشینکف مورد هدف قرار دادند. در این حادثه یک مامور وظیفه به نام محمد رضا رفیعی نسب در همان محل به شهادت رسید و ستوان یکم الله نظر صفری نیز پس از انتقال به بیمارستان حاج معرفی ماهشهر ، به دلیل شدت جراحات وارده به درجه رفیع شهادت نائل آمد. گروهک تروریستی با عنوان «حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز» مسئولیت این عملیات تروریستی را به عهده گرفته بود.

ترور شیخ صیمری امام جماعت در کوی علوی

۱۲

حجت‌الاسلام شیخ «هشام صیمری»، امام جماعت مسجد حضرت فاطمه الزهرا(س) واقع در کوی علوی اهواز، شامگاه سوم تیرماه ۱۳۸۶ ، بر اثر اصابت گلوله افراد ناشناس در مقابل منزل خود به شهادت رسید. حجت الاسلام شیخ هشام صیمری یکی از پیشگامان ترویج فرهنگ اسلامی بود که برای از بین بردن شبهات در این عرصه فعالیت‌های بی شماری می‌کرد، او به سبب مبارزه با فرقه ضاله وهابیت و تبیین حقانیت اهل بیت (ع) و همچنین مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب مورد خشم تجزیه طلبان تروریست قرار گرفت و سرانجام توسط آنان به شهادت رسید.

حمله تروریستی در شیبان و شهادت دو بسیجی

۱۳

۱۸ اردیبهشت ۹۷، یک نفر با انگیزه تروریستی به یکی از حوزه های بسیج شهری شیبان در منطقه باوی حمله ور شده و چند نفر را زخمی کرد که منجر به شهادت دو بسیجی شد. نیروهای انتظامی در کمتر از ده ساعت قاتل را دستگیر و چندین آلت قتاله و اسلحه از وی کشف و ضبط کردند.

منافقین

۱۴

گروهک منافقین علاوه بر اینکه در طول جنگ تحمیلی جنایات زیادی مرتکب شد، بعد از شکست خفت بار در عملیات مرصاد، برای بازیابی روحیه عناصرش موج جدیدی از اقدامات تروریستی را در دهه هفتاد به راه انداخت که گلوله باران خمپاره ای اهواز در چهارم آذر ۱۳۷۸ نمونه ای از آن است.

در اواخر آبان ماه سال ۱۳۷۸ بود که دستور اجرای عملیات تروریستی در خاک ایران توسط مسعود رجوی و مریم رجوی سرکرده های منافقین صادر و به قرارگاه هفتم منافقین در خاک عراق یعنی حبیب (واقع در بصره) جهت اجرا ابلاغ گردید. اولین تیم سه نفره منافقین با همکاری استخبارات رژیم بعث صدام از مرز عبور کرده و از مسیر پاسگاه زید، سه راه حسینیه و جاده خرمشهر - اهواز وارد شهر اهواز شده و با جاسازی و استقرار یک قبضه خمپاره انداز ۸۲ میلی متری در محل پارک حجاب این شهر در چهارم آذر ۱۳۷۸، با پرتاب پنج گلوله خمپاره بی هدف و کور به داخل اهواز، دست به یک جنایت علیه مردم بی دفاع این شهر زدند.

در اثر این عملیات تروریستی ناجوانمردانه یکی از هموطنان اهوازی به نام محمد سعید جلیزاوی که دبیر آموزش و پرورش اهواز بود، شهید و ۱۱ زن و کودک بی دفاع نیز به شدت مجروح شدند؛ برخلاف ادعای گروهک تروریستی منافقین که هدف حملات خمپاره ای خود را مراکز نظامی و حکومتی در اهواز اعلام کرده بود، مشخص شد محل اصابت گلوله های خمپاره نظامی نبوده و افراد حاضر در محل اصابت نیز، هیچ یک نظامی نبوده، بلکه همگی مردم عادی بودند.

هدف اصلی مرحله جدید عملیات تروریستی منافقین در ایران در آن زمان، ناامن جلوه دادن شهرهای مختلف کشور بود؛ برای سرکرده های منافقین این مساله مهم بود که امنیت شهرهای ایران را به هم بریزند و گفته بودند اگر هم در این عملیات مردم کشته شوند، ما قبلا قیمت آن را پرداخته ایم؛ سخنانی که نشان از بی ارزش بودن جان مردم ایران نزد سران منافقین و عناصر آن دارد.

پس از اجرای عملیات تروریستی منافقین در چهارم آذر ۱۳۷۸، سرکرده های این گروهک همچنین جهت فریب عناصر خود، ضمن پخش صحنه های عملیات، اینگونه به نیروهای خود القا می کردند که درباره افراد کشته یا مجروح شده، توسط نظام صحنه سازی شده و حمله عناصر این گروهک به مقرهای نظامی بوده است.

حمله تروریستی به رژه اهواز

۱۵

صبح روز ۳۱ شهریور ۹۷، در مراسم رژه نیروهای مسلح اهواز، پنج مرد مسلح از پشت جایگاه وارد محوطه شده و شروع به تیراندازی به مردم، نظامیان و مسئولین کردند. در این حمله ۲۳ نفر از هموطنانمان از جمله یک کودک ۵ ساله شهید و ۶۰ نفر زخمی شدند. این حمله توسط عناصر تکفیری داعش و با هماهنگی گروهک تجزیه طلب الاحوازیه و حمایت حکام سعودی و اماراتی صورت گرفت. سپاه خیلی زود در حمله موشکی ضربت محرم به مواضع داعش، انتقام این جنایت را گرفت و جمعی از سران داعش را به هلاکت رساند.

چه کسانی پشتیبان تروریست ها هستند؟

با نگاهی اجمالی به تاریخ استان خوزستان مشخص خواهد شد که همواره موقعیت ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی، خاک حاصلخیز و... آن مورد طمع استعمارگران و همسایگان بوده است و سرویس‌های اطلاعاتی این کشورها در راستای پیشبرد اهداف استعماری خود ایجاد انشقاق قومیتی، اختلافات مذهبی و تشدید ناامنی را با هدف و غایت تجزیه و استقلال خوزستان در دستور کار قرار داده و ضمن حمایت مالی و معنوی از عناصر متواری و تشکل‌های تجزیه‌طلب مقیم در کشورهای خود، همواره یک جهت اصلی بحران‌های قومی و مذهبی این استان متوجه آنان بوده که حاکی از بهره‌برداری آنان از پتانسیل بالقوه و بالفعل عناصر متواری و تشکل‌های مقیم و جریان‌سازی توسط وابستگان آنان در داخل دارد.

وجه اشتراک اساسی و عمیق عرب‌های خوزستان با جمهوری اسلامی ایران علاوه‌بر ایرانی‌بودنشان، شیعه‌بودن آن‌ها و اشتراک در مذهب است و از طرفی این مذهب وجه افتراق با حکومت‌های کشورهای عربی منطقه است و کشورهای عربی نیز حاضر به تشکیل یک دولت مستقل شیعی عربی در کنار خود نیستند؛ لذا راهکار تغییر مذهب را به گروه‌های تجزیه‌طلب ارائه دادند.

حقایق به‌دست‌آمده مبین آن بود که قوم‌گرایان افراطی برای کسب حمایت مالی و معنوی کشورهای عربی منطقه و روی‌کارآوردن یک حکومت سنی‌مذهب متمایل به آنان در استان خوزستان، تحرکات خود را پس از پایان جنگ تحمیلی آغاز کردند.

ترویج وهابی‌گری با هدف ایجاد شکاف و گسست مذهبی بین قومیت‌های استان، در دهه هفتاد در ادامه سایر فعالیت‌های قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه گروهک‌های عرب معاند شکل گرفته است که مشخصاً با پشتیبانی برخی از سرویس‌های اطلاعاتی، به‌ویژه سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای عربی در حوزه خلیج‌فارس - عربستان سعودی و امارات - صورت می‌گیرد و اوج آن در سال‌های اخیر نمود و ظهور جدی و تأمل‌برانگیزی یافته است.

به‌دنبال وقوع حوادث و ناآرامی‌های فروردین ۱۳۸۴ حقایق و مستندات روشن و شفافی به‌دست آمد که حاکی از فعالیت‌های گسترده اطلاعاتی برخی از کشورهای عربی و حمایت آنان از تجزیه‌طلبان، با هدف تغییر مذهب تشیع در استان خوزستان در طی سال‌های قبل از شکل‌گیری این بحران بوده است.

جنبش «الاحوازیه» نام عامی برای گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب در خوزستان است که ادعای جدا کردن و استقلال خوزستان از ایران را با عملیات مسلحانه و تروریستی دارند. معروف‌ترین این گروه‌ها شامل حرکه النضال العربی لتحریرالاحواز، جبهه العربیه لتحریر الاهواز و حزب النهضه العربی لتحریر الاهواز هستند. محل استقرار اعضای این گروهک ها کشورهای هلند، دانمارک، انگلستان و کانادا می باشد.

تجزیه طلبان وهابی الاحوازیه در انگلستان و در شهر لندن هم دفتر دارند و در تشکیلات رهبری کننده آنها انجمن دوستی ایران و انگلیس وجود دارد و با سناریوی طراحی شده انگلیسی درصدد هستند که بخشهایی از خوزستان را تجزیه کنند و در همین رابطه، تحرکاتی را در جنوب ایران آغاز و درگیری های مسلحانه ای را ایجاد کرده اند.

این تجزیه طلبان که خود را بنام "الاحوازی" معرفی کرده اند با تمسک به قوم گرایی عربی که امروزه توسط انگلستان و امریکا برای ایجاد تفرقه در کشورهای جبهه مقاومت رواج داده شده است اعتقاد دارند که از سال ۱۹۲۵ میلادی، فارس‌ها منطقه الاحواز را اشغال کرده و اکنون فارسها بایستی به اشغال اهواز پایان دهند.

شاخه تروریستی این گروهک گردان‌های محی الدین آل ناصر نام دارد و سایتی به نام «احوازنا. نت» فعالیت‌های آن را پوشش می دهد. نام رهبر این گروه «حبیب نبگان» ساکن دانمارک است. بیشتر اعضای این گروهک که از دو خانواده نیسی و نبگان هستند در هلند، دانمارک و سوئد ساکن هستند.

چند تن از اعضای این گروهک که بیشتر از دو خانواده موسوم به نیسی و نبگان هستند در کشورهای دانمارک، سوئد و هلند پناهندگی اخذ نمودند.

طبق اخبار منتشر شده در دو دهه ی اخیر بیش از ۴۰ میلیون دلار کمک های نقدی (غیر از کمک های لجستیکی، تجهیزاتی، اقامتی و...) از سوی آمریکا، انگلیس، دانمارک، هلند، کویت، عربستان سعودی، قطر، ترکیه و استرالیا به گروهک های تروریستی موسوم به الاحوازی پرداخت گردیده است.

دانیل برت مردی انگلیسی با سوابقی مرموز و ناشناخته است، گفته شده است که این شخص مسئول و راهنمای رسانه ای و مشاور تبلیغاتی گروهک های تروریستی الاحوازی است.

بعضی از این گروهک ها با اسرائیل ارتباط گسترده ای دارند. بطوریکه بعضی اعضایشان در خارج کشور به عنوان مامورهای ویژه سازمان‌های موساد و سیا معروفند. مانند «جبهه دمکراتیک ملی اهواز».

سرانجام دشمنی با ملت ایران!

انقلاب در دوقطبی

زینب حردانی - «نه شرقی- نه غربی» یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بود و با پیروزی آن و استقرار نظام جمهوری اسلامی، این شعار به یکی از اصول کلی و ثابت در سیاست خارجی ایران تبدیل شد. این در حالی بود که ساختار مسلط نظام بین الملل در آن دوران دو قطبی بود؛ یعنی دو ابر قدرت آمریکا و شوروی این نظام را تشکیل می دادند و ما بقیه کشورها بین این دو ابر قدرت تقسیم شده بودند. هرچند کشورهایی به عنوان غیرمتعهد در این نظام وجود داشتند، اما نتوانستند قطب سوم شوند یا این نظام دو قطبی را به چالش بکشانند؛ اما انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی- نه غربی» اولین جریانی بود که در مقابل این نظام نه تنها قد علم کرد بلکه نظام دو قطبی را نافی حقوق ملت‌ها معرفی کرد و رهایی از زنجیر استعماری آمریکا و شوروی را تنها راه نجات ملت-ها دانست.

از این رو، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تنها یک حادثه داخلی برای تغییر یک رژیم سیاسی نبود. بلکه همان‌گونه که بسیاری از دولتمردان آمریکائی، اسرائیلی و اروپائی در خاطرات خود از آن روزها تعبیر کرده‌اند، انقلاب اسلامی از دیدگاه آنان زلزله‌ای ویرانگر برای جهان غرب بود؛ چرا که آمریکا مطلوبترین شرایط جغرافیائی، اقتصادی و نظامی را در یکی از حساسترین مناطق جهان که مرزهای طولانی با رقیب (دولت شوروی) داشت، از دست می‌داد. همچنین امواج انقلاب اسلامی رژیم های وابسته به غرب را در ممالک اسلامی و بلاد عربی متزلزل و بیمناک کرده بود و موجب به حرکت درآمدن موجی از خیزشهای رهایی بخش در کشورهای اسلامی و جهان سوم بود. همزمان با ایران، رژیم وابسته به آمریکا در نیکاراگوئه نیز سرنگون شد. در افغانستان دولت شوروی ناگریز از کودتای خونین و سپس لشکرکشی و اشغال این کشور شد تا حرکت اسلامی را مهار کند.

بنابراین احساس خطر ابرقدرت ها از انقلاب اسلامی موجب شد این دو قطب قدرت که همواره با هم در تضاد بودند، با هم متحد و همسو شوند و شروع به جنگ تبلیغاتی، سیاسی روانی؛ محاصره اقتصادی؛ بلوکه کردن دارایی‌های ایران؛ تهدیدات نظامی (مداخله نظامی در طبس و ...)؛ تحریف ماهیت انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی؛ دامن زدن به تروریسم و ناامنی داخلی و حمایت از آن، برای مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران کردند.

به موجب کنوانسیون ژنو که در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (۲۱ مرداد ۱۳۲۸) درباره حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ به امضای نمایندگان دولت ها رسید، هیچ یک از کشورهای درگیر در جنگ نباید به شهرها و مناطق مسکونی یکدیگر حمله نمایند و موجب آسیب رساندن به افراد غیر نظامی شوند.

اما در دوران هشت سال دفاع مقدس، عراق که به هیچ یک از قوانین و مقررات بین المللی پایبند نبود، کنوانسیون ژنو را نیز نادیده گرفت و جنایات های زیادی را در ایران به ویژه در خوزستان مرتکب شد. عراق با توپ ها، هواپیماها و موشک های خود شهرها و مناطق مسکونی ایران را بمباران کرد به طوری که در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۱۲۷ شهر از کشور مورد یورش دشمن قرار گرفتند که در این میان شهرهای آبادان با بیش از ۱۰۱۷ بار رتبه اول، اهواز با ۳۱۶ بار رتبه دوم و دزفول با ۲۴۱ بار در رتبه سوم حملات عراق به شهرها و مناطق غیر نظامی و مسکونی قرار دارند.

خرمشهر اشغال شد

در روز ۴ آبان ۱۳۵۹ شهرستان خرمشهر در استان خوزستان پس از بیش از یک ماه مقاومت رزمندگان ایرانی و نیروهای محلی، به اشغال کامل ارتش بعثی عراق درآمد.

نیمه شب سوم آبان بود که نیروهای ارتش بعثی با سازماندهی و تجهیز لشکرهای مستقر در جبهه خرمشهر و همچنین فراخوان نیروهای تازه‌نفس به این جبهه، هجومی وسیع و گسترده را به شهر آغاز کردند و پس از جنگی نابرابر، وارد خیابان‌های خرمشهر شدند. رزمندگان و مردم شهر در اطراف پل خرمشهر که حالا به نام خونین‌شهر شناخته می‌شد، تلاش بسیاری کردند تا از پیشروی نیروهای صدام جلوگیری کنند، اما سرانجام در غروب چهارم آبان، غرب خرمشهر به دست دشمن افتاد و تراژدی تلخ خونین‌شهر رقم خورد.

باقیمانده نیروهای مدافع، به سمت شرق شهر عقب نشستند اما با تمام پایداری‌ها، سرانجام خرمشهر سقوط کرد و به اشغال کامل دشمن متجاوز درآمد. این اما به معنای پایان درگیری‌ها نبود که رزمندگان ایرانی همچنان در جبهه شرق با نیروهای متجاوز درگیر بودند.

هر چند خرمشهر در چهارم آبان ۵۹ سقوط کرد و دشمن بعثی، در ادامه تجاوزات خود، علاوه بر غارت کامل شهر، حتی به منازل خرمشهر رحم نکرد و برخی از آن‌ها را با ۳۰۰ تن تی.ان.تی به طور کلی تخریب کرد اما مقاومت مردم و رزمندگان تا ۲۰ ماه بعد ادامه یافت و سرانجام در عملیات بزرگ بیت المقدس، رزمندگان اسلام موفق شدند خرمشهر را آزاد کنند.

اشغال هویزه

از نمونه های بارز و چشمگیر جنایات های صدام در خوزستان در شهرستان هویزه است، که در تاریخ کشور ما با احترام و مظلومیت شناخته شده است؛ این شهر کوچک یکی از سنگرهای بزرگ مقاومت مردمی ایران بود که با دشمنی و جاهلیت بعثی‌ها به طور صد در صد تخریب شد و به قول یکی از بازدیدکنندگان خارجی، هویزه را باید موزه‌ی جنایات صدام به شمار آورد. هویزه، در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب سوسنگرد و ۷۲ کیلومتری غرب شهر اهواز قرار گرفته است. این شهر نخستین بار در ششم مهر ماه ۱۳۵۹ توسط نیروهای ارتش متجاوز صدام به محاصره در آمد، اما این حمله، با مقاومت مردمی دفع شد. آنها حدود سه ماه بعد، در دی ماه ۱۳۵۹، دوباره به این شهر حمله کردند و پس از حماسه مقاومت و شهادت حسین علم‌الهدی و گروهی از دانشجویان پیرو خط امام(ره)، این شهر به مدت ۱۶ ماه در تصرف نیروهای عراقی بود که در طول این مدت، هویزه را با خاک یکسان کردند.

بمباران اندیمشک و قطار مسافربری هفت تپه

نمونه دیگر از جنایات صدام در خوزستان، حملات موشکی ارتش بعث عراق در ۱۴ آبان ماه سال ۱۳۶۲ به شهرهای اندیمشک و مسجد سلیمان بود که بر اثر این حمله وحشیانه ۱۱ تن از هوطنانمان شهید و ۹۲ تن دیگر مجروح شدند. همچنین در ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۵ هواپیماهای متجاوز رژیم بعثی عراق به یک قطار مسافربری در ایستگاه هفت تپه استان خوزستان که از اهواز عازم تهران بود، حمله کردند. در پی این حمله ۶۱ تن از هموطنان شهید و ۲۷۰ نفر مجروح شدند.

کرخه کوری که کرخه نور شد

همچنین صدام مردم عرب روستای احمدآباد سیار هویزه را به دلیل همکاری با نیروهای سپاه و پناه دادن به یک خلبان ایرانی، به دست عراقی‌ها تیر باران و در حالی که برخی از آنان هنوز زنده بودند، در یک گور دست جمعی دفن شدند؛ رهبر انقلاب در بازدیدی از این منطقه، از مسئولین خواست که نام «کرخه کور» به «کرخه نور» تغییر یابد چرا که اینجا مزار شهدای گرانقدری است که توسط صدامیان به شهادت رسیده اند.

ماشین جنگی صدام

همچنین صدام که اساساً با نیت مبارزه با جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ با کودتا در عراق به قدرت رسیده بود، از تمامی راه های ممکن برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی بهره گرفت. اخراج هزاران ایرانی از عراق در نیمه دوم ۱۳۵۸؛ حمایت دولت عراق از گروهک های تجزیه‌طلبانه خوزستان و تحریک برخی عرب های این منطقه به شورش علیه ایران (که هیچ وقت موفق به آن نشد) و روان کردن سیل اسلحه به خوزستان؛ حمایت از بمب‌گذاران و طراحی انفجارهای مکرر در خطوط راه‌آهن و تأسیسات نفتی؛ پناه دادن به ژنرال های فراری حکومت پهلوی؛ انتخاب اسامی مجعول(و بعضاً قرن های گذشته) برای شهرهای ایران در نقشه‌ها و کتابهای درسی عراق(اهواز را «الاحواز»، خرمشهر را «محمره»، آبادان را «عبادان»، سوسنگرد را «خفاجیه» و بالاخره خوزستان را «عربستان» نامید) به منظور فریب و جذب عرب های خوزستان و الحاق خیالی این شهرها به قلمرو جغرافیائی عراق؛ تحریکات و تجاوزات مکرر مرزی؛ انعقاد قراردادهای خرید هواپیماهای میراژ، میگ و توپولف (این قراردادها پس از پیروزی انقلاب و قبل از جنگ منعقد شده است)؛ تقویت بدون دلیل نیروهای عراقی در مرز مشترک دو کشور و ایجاد موانع از قبیل سنگرهای بتونی، سیم‌های خاردار و ... صدها نمونه دیگر از اقدامات مقدماتی صدام برای فراهم آوردن زمینه یک تهاجم گسترده نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

اگرچه صدام حسین در ساعات میانی ۳۱ شهریور و پیش از صدور فرمان حمله به ایران، موضوع اختلافات مرزی را دلیل وقوع جنگ عنوان کرد، اما حتی خود او نیز می‌دانست این جنگ مرحله اجرایی نقشه برنامه‌ریزی شده، هدفمند و فرامنطقه‌ای است و دولت بغداد به دلیل اختلافات زمینی و دریایی خود با ایران، تنها داوطلب اجرای این نقشه شده است. در نتیجه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ یک سوم از ارتش ۲۰۰ هزار نفری عراق از مرز ایران گذشت و وارد خوزستان شد.

علاوه بر حمله دشمن به شهرهای مرزی خوزستان، کرمانشاه، ایلام و کردستان، اما بیشترین حملات به شهرهای خوزستان بوده و تقریباً تمام شهرهای خوزستان در تیررس موشک های صدام بوده اند

دزفول؛ شاهد زنده جنایات صدام

رژیم بعثی عراق، هر بار که در رویارویی مستقیم با رزمندگان اسلام در میادین نبرد، شکست می‌خورد برای جبران ضعف‌ها و همچنین اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران، شهرها و مناطق مسکونی را موشکباران و بمباران می‌کرد و در همین راستا، در ۱۸ آذرماه سال ۱۳۶۱ دو فروند موشک زمین به زمین به دو نقطه پرجمعیت دزفول اصابت کرد. این خبر که سابقه ای در جنگ های پیشین ندارد، به قدری هولناک است که چهره ای جدید از وحشی گری و جنایات جنگی را در جنگ های بشری برای خود به ثبت رساند. انفجار چند صدتن مواد منفجره تی ان تی در میان خانه های شهر، تاوان مردمانی بود که شهر و کاشانه خود را خالی نکرده و در برابر اشغالگران ایستادگی می نمودند، موشک های غول پیکر ۱۶ مهرماه که یکی از فاجعه بارترین حوادث هشت سال جنگ تحمیلی را به خود اختصاص دادند به مناطق و محله های قدیمی شهر دزفول به نام محله چولیان، محله سیاهپوشان، محله کل گزون و تقاطع خیابان آفرینش و بقعه سیدمحمود در مرکز شهر اصابت نمودند و باعث شهادت ۱۰۵ نفر و مجروحیت ۳۰۰ نفر از مردم بی دفاع شدند. این حملات به حدی فاجعه بار بود که بعضی از مردم تقریباً اکثر خانواده خود را از دست دادند. تخریب کامل دهها خانه و مسجد و مغازه، قطع برق شهر و فوران آب منازل در محل حادثه و ایجاد حفره ای عمیق و بزرگ و غیرقابل باور در محل اصابت موشک ها مشکلات عدیده ای را برای امدادگران و مردم برای کمک رسانی به آسیب دیدگان، پیش آورده بود.

پس از این تاریخ به دلیل اصابت موشک‌های فراوان، دزفول به «بلد الصواریخ» یا «شهر موشک‌ها» معروف شد و در واقع اولین موشک جنگ به دزفول اصابت کرد. اگرچه قبل از این جنایت، هواپیماهای عراقی بارها شهرهای ایران را بمباران کرده بودند اما حمله به دزفول، نخستین حمله در ابعاد گسترده به وسیله موشک های زمین به زمین بود.

جنایت‌های رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی در بمباران و موشکباران شهرهای ایران در حالی رخ می‌داد که مجامع به اصطلاح جهانی هیچگونه واکنشی نشان نمی‌دادند و شکایت‌های ایران از این مجامع هم همیشه بی‌پاسخ می‌ماند؛ و ایران شاهد قربانی شدن مردم غیرنظامی و زیر ساخت‌های شهری خود توسط عراق بود که می‌توانست مقابله به مثل کند. اما با تاکید بر آموزه‌های اسلامی هیچگاه نخواست شاهد کشته شدن افراد غیرنظامی دشمن در شهرها باشد و حتی پیش از هدف گرفتن زیرساخت‌ها و محل‌های نظامی، ساکنان شهر و منطقه مورد نظر را آگاه می‌ساخت تا خسارت انسانی احتمالی به حداقل ممکن برسد و این شیوه را تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داد.

سرانجام کشور مردم عزیز ایران در این جنگ خانمان سوز و تحمیلی، ۲۳۳ هزار و ۵۹۱ شهید برای حفظ اسلام و ایران تقدیم کردند و ۲۲۰ هزار عراقی نیز در این جنگ کشته شدند. خسارات مستقیم وارد شده به ایران از سال ۵۹ تا سال ۶۷ رقمی حدود ۳ هزار و ۸۱ میلیارد تومان است، که اگر آن را به قیمت رسمی آن زمان تبدیل کنیم، سرجمع خسارات مستقیم وارد شده به ایران با ۴۴۰ میلیارد دلار برابر می‌شود. با توجه به تغییر نرخ رسمی دلار از ۷ تومان به ۳۴۰۰تومان، میزان این خسارات به نرخ روز، معادل ۱۰.۵ تریلیون دلار است. در حالی‌که کل درآمدهای نفتی ایران از سال ۵۹ تا ۸۹، ۹۷۰میلیارد دلار به پایه قیمت‌های سال ۲۰۱۰ بوده است.

حامیان صدام

فاطمه تابش - در طول هشت سال جنگ تحمیلی کشورهای مختلفی از سراسر جهان به صدام کمک کردند تا ریشه ی انقلاب اسلامی را در همان ابتدا بخشکانند. در ادامه اسامی اصلی ترین حامیان دیکتاتور بعثی را بیان می کنیم:

۱. آمریکا

اصلی ترین حامی و مشوق صدام برای حمله به ایران، آمریکا بود.

با اینکه در ابتدا آمریکایی ها نقش خود را انکار می کردند اما با لو رفتن پایگاه های نظامی آمریکا در عراق و مصر نقش آن ها افشا شد. مستکبران آمریکایی که با وقوع انقلاب اسلامی و شکست پی در می توطئه هایشان در براندازی جمهوری اسلامی، منافع خود را از دست رفته می دیدند، تلاش کردند با تحریک صدام و حمایت از وی به اهدافشان دست پیدا کنند. در سال دوم جنگ، آمریکایی ها همزمان اقدام به انجام چهار عملیات بر علیه ایران و به نفع صدام کردند:

۱- عملیات استانج: تلاشهای دیپلماتیک برای شناسایی مبادی ورود سلاح و جلوگیری از ارسال تجهیزات جنگی به ایران

۲- عملیات مالی: تلاش برای تأمین نیازهای مالی عراق از طریق شرکتهای آمریکایی

۳- عملیات اطلاعاتی: قرار دادن اطلاعات نظامی مورد نیاز عراق از ایران

۴- عملیات ضد ایرانی در سازمان های بین المللی: محکومیت ایران در این سازمانها و جلوگیری از انتقال صحبتهای به حق مسئولین ایرانی به دیگر کشورها

(برگرفته از : پایگاه اطلاع رسانی تبلیغات اسلامی, نقش کشورهای دنیا در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران, حسین اسلافی , ۸۸/۶/۳۱)

۲. شوروی سابق:

بخش عمده ای از تسلیحات مورد نیاز عراقی ها در طول جنگ توسط شوروی تامین می شد. پیشرفته ترین هواپیمای جنگ، تانک ها، هلی کوپتر و دیگر سلاح های جنگی از جمله تسلیحاتی بود که از سمت شوروی در اختیار صدام قرار می گرفت. میزان حمایت شوروی به حدی بود که فرماندهان ارتش خود را برای آموزش نظامی به فرماندهان عراقی به عراق می فرستاد.

۳. اروپا:

کشورهای فرانسه و آلمان نسبت به سایر کشورهای اروپایی بیشترین حمایت را از عراق می کردند. کشور فرانسه با در اختیار قرار دادن هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک های لیزری لشکر عراق را تجهیز کرده و حتی به دلیل گران بودن هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک های لیزری لشکر عراق را تجهیز کرده و حتی به دلیل گران بودن هواپیماهای سوپراتاندارد، آن ها را به صورت اجاره ای در اختیار صدام قرار داد. زمانی که ارتش صدام در آستانه ی نابودی قرار گرفت، به وسیله ی ۶۰۰۰تن بمب شیمیایی ساخته ی آلمان باعث کشته شدن فقط ۱۱۰۰نفر در سردشت و سایر نقاط ایران و ۵۰۰۰ نفر در شهر حلبچه شد. کشورهای ایتالیا و بلژیک نیز با ارسال موشک های پیشرفته ضد زره ازجمله حامیان صدام بودند.

۴. دولت های عربی:

این کشورها عمده ترین پشتیبان عراق از منظر مالی و نیروی انسانی بودند که علت آن منابع سرشار نفت و گاز در کشورهای عربی بود. حضور اسیرانی از اردن، عراق، مصر، مراکش، سودان، سومالی و سایر کشورهای عربی خلیج فارس نشان دهنده ی حمایت گسترده ی دولت های عرب از صدام است. آسمان این کشورها نیز برای عبور هواپیماهای عراقی در اختیار صدام قرار گرفته بود.

دلارهای نفتی سعودی و امارات پشتوانه اصلی مالی صدام بود.

۵. سایر کشورها:

کشورهایی مانند برزیل و آرژانتین که در آن زمان از صنعت نظامی تقریبا پیشرفته ای برخوردار بودند تجهیزات نظامی را در اختیار عراق قرار می دادند و بعضی کشورها مانند کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی که توانایی کمک مالی به صدام را نداشتند اما از کمک نیروی انسانی به او دریغ نمی کردند. آمار رسمی نشان می دهد ایران در جنگ تحمیلی، از ۳۰ کشور اسیر گرفته بود! بعضی هم مانند ترکیه و پاکستان بی طرف بودند.

پایان دیکتاتور جلاد:

صدام حسین، دیکتاتور جلادی که با کودتا روی کار آمد و با جنایت و سرکوب ملت عراق، کشور عراق را تحت سلطه قرار داد و با راه اندازی جنگی خانمان سوز زمینه کشتار وسیع و قتل عام چندین شهر و روستا را فراهم آورد و به مدد دلارهای نفتی سعودی ها و تجهیزات جنگی آمریکایی و اروپایی، سرخوش گشته بود، اما سرانجام و بعد از کش و قوس فراوان سرانجام مجبور شد در برابر اربابان خود سرتسلیم فرود آورد و ذلیلانه به غاری پناه ببرد و بعد از سقوط رژیم بعث وی، سرش به چوبه دار برود تا شاید پایان این دیکتاتور جلاد، عبرتی باشد برای آیندگان!

و اما جمهوری اسلامی ایران به مدد خداوند متعال و به برکت خون های طیب شهدای انقلاب و دفاع مقدس و مدافعان وطن و مدافعان حرم امروز به یکی از قدرت های منطقه ای تبدیل شده و بر روی معادلات جهانی مؤثر است.

هنگامی که صدام حسین، دیکتاتور معدوم عراق در سال ۱۹۸۰رهبر نهضت شیعیان و متفکر بزرگ جهان شیعه آیتا... شهید محمدباقر صدر را اعدام کرد هیچگاه تصور نمی‌کرد که در همان اتاقی که شهید صدر را اعدام کرده بود طناب دار را بر گردن ببیند. ساعت ۶ نهم دیماه ۱۳۸۵ ساعتی فراموش نشدنی برای ملت ایران و عراق است؛ لحظه‌ای که جلادی آدمکش و دیکتاتوری وحشی از جهان معدوم شد.

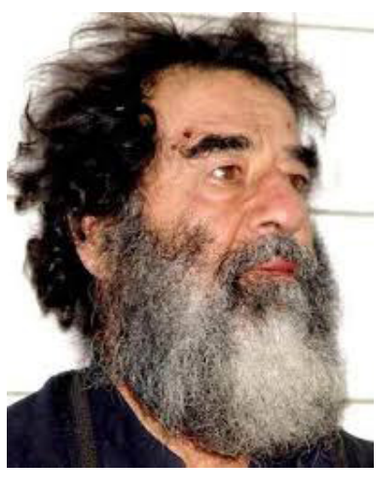

خوزستان
فریاد

دو هفته نامه فرهنگی-سیاسی فریاد خوزستان
شماره ثبت: ۸۰۹۱۲
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: داود مدرسی یان
هیئت تحریریه: رها عبداللهی، امید حاجی زاده، زینب حردانی، جواد الهایی سحر، ماجد الهایی، زهرا آراسته نیا، فاطمه تابش، ناهید جمالپور، میلاد خدری
چاپ و لیتوگرافی مینیاتور

ویژه نامه گرامیداشت شهدای حادثه تروریستی ۳۱ شهریور ۹۷ رژه اهواز و هفته دفاع مقدس
با همکاری
معاونت فرهنگی سپاه ولیعصر(عج) خوزستان

سایت: www.faryadkhz.ir
ایتا: Eitaa.com/Faryad_khz
سروش: Sapp.ir/Faryad_khz
ارتباط با ما: ۰۹۰۳۱۲۹۹۰۴۵
پنج شنبه، ۲۸ شهریور ۱۳۹۸، ۱۹ محرم ۱۴۴۱، ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹ - سال دوم، شماره ۲۲

۴

آن ۲۳ شهید

مطالبات خانواده های شهدای ترور رژه

صبح روز ۳۱ شهریور سال گذشته، خبر حمله تروریستی به رژه نیروهای مسلح همه را اندوهگین ساخت. در این میان خانواده های نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی بیش از همه نگران فرزندان، همسران و پدران خود بودند که قرار بود در رژه ۳۱ شهریور اهواز شرکت کنند. هرکسی شماره همراه عزیز خود را می گرفت و یا از طریق رفقا و دیگران سعی می کرد از سلامتی عزیز خود خبر بگیرد.

در این میان اما ۲۳ خانواده، خبر شهادت عزیز خود را از پشت خطوط تلفن شنیدند. اگرچه شهادت برای همه آنان افتخار بوده اما درد دوری و کشته شدن غافلگیرانه و مظلومانه، تا قیام قیامت بر قلوب این خانواده ها ماندگار شده و هر خبر خوبی نقش تسلای دلهای آنان را خواهد داشت.

خانواده های شهدا در یکسال گذشته، خود مرهم درد خود بودند؛ فراموشی آنان از سوی برخی مسئولین و از یاد رفتن حادثه از اذهان عمومی و رسانه ها، دردی افزون است که عموم این داغدیده ها در کنار غم عزیزانشان چشیده اند. در این میان مطالبات به حقی از سوی خانواده های شهدا وجود دارد که مسئولین باید با جان و دل گوش داده و برای تسلای دل آنان، اجرا نمایند.

یک؛ اشد مجازات عاملان حادثه تروریستی: اگرچه ۴ نفر تروریستی که به رژه اهواز حمله کردند به هلاکت رسیدند اما حتماً اینها، عوامل و پشتیبانانی داشته اند که باید هرچه سریعتر شناسایی و به مجازات برسند. برخی منابع از دستگیری ۳۰ تا ۴۰ نفر از عاملان مرتبط با این اقدام تروریستی خبر می دهند اما آیا یکسال برای روند دادرسی پرونده ها کافی نبوده و نباید تابحال این پرونده ها با قید فوریت به سرانجام می رسیدند؟ و احکام قصاص و سایر احکام صادره را به اجرا در می آوردند؟ حالا این مسئله یکی از مطالبات عموم مردم خاصه خانواده های شهدا و جانبازان حادثه رژه است که فریاد خوزستان امیدوار است هرچه سریعتر به سرانجام برسد.

دو؛ برخورد با مسئولینی که در تأمین امنیت رژه کوتاهی کرده اند:

بی تردید دشمنان اصلی این مرزوبوم که آمریکا و اسرائیل و سعودی و تروریست ها و منافقین می باشند همیشه از قصورات و ضعف ها و کوتاهی های دستگاه ها و مسئولین داخلی سوءاستفاده کرده و حادثه می آفرینند. اگرچه اقتدار امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سراسر منطقه خاورمیانه مورد تعجب صاحب نظران بین المللی شده که چگونه در منطقه ای از آتش، نظامی اسلامی توانسته امنیت را در سرتاسر ایران بگستراند. اما کمترین کوتاهی و ضعف و قصور برخی مسئولین و دستگاه های این حوزه، با جان و امنیت مردم سروکار دارد. حادثه تروریستی رژه اهواز را تروریست های تکفیری آفریدند اما کوتاهی برخی از دستگاه های مسئول

در این زمینه واضح بود. برخی نمایندگان و مسئولین بعد از حادثه تروریستی در مجلس شورای اسلامی در سال ۹۶ به صراحت از برخی کوتاهی ها و غفلت ها سخن گفته اند. مستندات پس از حادثه رژه اهواز نیز نشان می دهد وجود غفلت و قصور محرز بود.

حال خانواده های معزز شهدای ترور خوزستان، کماکان منتظرند تا دستگاه قضایی ویژه نیروهای مسلح، هرچه سریعتر «بدون کمترین ملاحظه ای با این و آن»، این حادثه را ویژه بررسی کرده و مسئولینی را که در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده اند -در هر سطحی- مورد برخورد قرار دهد. تنزل درجه، عزل، زندانی یا هر حکمی که دستگاه قضای جمهوری اسلامی برای مسئولین مربوطه صادر کند موجب تسلای خاطر خانواده های شهدا و عموم مردم خواهد شد و همچنین موجب می شود که دستگاه ها من بعد، دقت بالاتری به خرج داده و کوتاهی و غفلت نکنند تا راه تکرار اینگونه حوادث برای همیشه بسته شود.

بی شک، ملاحظه این و آن به دلایل واهی و مصلحت های کاذب و شُل گرفتن در این مسئله، راه تکرار این حوادث را در آینده باز خواهد کرد.

سوم؛ ساخت یادمان شهدای ترور خوزستان در محل حادثه: پارک شهید محمدرضا سبحانی اهواز سالهاست که در منطقه لشکر و بلوار قدس با نام همین شهید عزیز مزین شده است. یکی از مطالبات خانواده های شهدا ساخت یک یادمان یا المان مخصوص ۲۳ شهید در محل حادثه است تا به عنوان سند مظلومیت شهدای حادثه تروریستی باقی بماند و محل رجوع مردم و خانواده های شهدا و برگزاری مراسمات معنوی در مناسبت های مختلف در تاریخ ثبت شود. نامگذاری یکی از میادین یا خیابان های اصلی شهر اهواز به نام این شهدای عزیز و ساخت یادمان و المان مخصوص شهدا در محل حادثه از مطالبات به حقی است که انتظار است مسئولین محترم تعجیل به عمل آورند.

چهارم؛ توجه بنیاد شهید و نهادهای مربوطه به رسیدگی به خانواده های شهدا و جانبازان حادثه ترور: یکی دیگر از مطالباتی که است که مسئولین محترم باید در این زمینه بکوشند رضایت این خانواده ها را به جا بیاورند. رسیدگی به خانواده های شهدا دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم و تأمین امنیت شهرها و مرزها و شهدای ترور، وظیفه اصلی بنیاد شهید و سایر دستگاه هاست. مبادا این نهادها رسیدگی به خانواده های این عزیزان را به تعویق انداخته یا با بهانه های مختلف بطور کامل انجام ندهند.

پنجم؛ هر کدام از خانواده های شهدا با توجه به منطقه محل زندگی، مطالبه ای دارد که مسئولین هر شهر و منطقه می بایست با جان و دل شنیده و به آن رسیدگی نمایند. مزار این شهدا، تا قیام قیامت محل زیارت اهل دلی است که به مظلومیت این عزیزان باور دارند. فریاد خوزستان امیدوار است مسئولین مربوطه این مطالبات را شنیده و برآورده نمایند.

پیام امام؛ خروش ملت؛ ضربت محرم

بعد از حادثه تروریستی ۳۱ شهریور در رژه اهواز و شهادت ۲۳ نفر در این حادثه، اما رهبر انقلاب در پیامی که تسلای خاطر امت و خانواده های شهدا بود.

رهبر انقلاب در دیدار با مدال‌آوران کاروان ورزشی ایران در بازی‌های آسیایی اندونزی فرمود: «این [حمله] نشان‌دهنده‌ی این است که ما در این راهی که داریم حرکت میکنیم -که راه افتخار، راه اعتلاء، راه پیشرفت است- دشمن زیاد داریم؛ این را همه‌ی شما باید در یاد داشته باشید دائماً که ما خیلی دشمن داریم. البتّه این کاری که اینها کردند، کار بزدلانه‌ای بود؛ [وقتی] با مسلسل حمله کنید، به یک عدّه‌ای که نه سلاح دارند، نه توان دفاعی دارند، خب معلوم است که یک عدّه‌ای به شهادت میرسند؛ امّا کار، کار شجاعانه‌ای نیست، کار بزدلانه است. کار شجاعانه را جوانهای ما کردند؛ هرکدام در یک میدانی: شماها در میدان ورزش، یک عدّه‌ای در میدان دفاع مقدّس، یک عدّه‌ای در میدان علم؛ آنها کارهای شجاعانه و باارزش است. ولی خب، به این دشمن هم [که بنابر] آنچه تا امروز به من اطّلاع داده‌اند، کار همین کسانی است که هرجا گیر میکنند در سوریه و عراق، آمریکایی‌ها میروند نجاتشان میدهند؛ کار آنها است، آنهایی که دستشان در جیب سعودی و امارات عربی است، البتّه گوشمالی خواهیم داد، گوشمالی سختی به آنها داده خواهد شد ان‌شاءالله.»

بعد از پیام امام خامنه ای بود که یگان موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیاتی به نام ضربت محرم با شش فروند موشک بالستیک و هفت فروند پهپاد رزمی، مواضع تروریست‌ها را در شرق فرات در هم کوبید و شمار زیادی از تروریست ها بالخصوص فرماندهان آنان را به هلاکت رساند.

وقتی بعد مشخص شد پدرشهید محمدطاها اقدامی شهید ۴ ساله در محل پرتاب و فشردن دکمه های موشک ها حضور داشته، قلوب خانواده های شهدا تسلا پیدا کرد. پدر شهید اقدامی با اشاره به حمله موشکی سپاه به تروریست‌ها در سوریه تصریح کرد: قبل از شهادت محمدطاها با برادران سپاه در ارتباط بودم چون یک نظامی و ارتشی هستم با برادران سپاه یکی بودیم و برادر خودم نیز یک پاسدار است، اما بعد از شهادت محمدطاها برادری و اخوت من با برادران سپاه بیشتر شد من از نیروهای مقاومت و نیروی قدس به خاطر این عملیات و انتقام تشکر می‌کنم.

جنایت ۳۱ شهریور تکفیری های تجزیه طلب اما به نفع ملت ایران تمام شد. تروریست‌ها و حامیان آن‌ها به دنبال نفاق و جدایی مردم و نظام اسلامی در ایران بودند ولی تیر آن‌ها به سنگ خورد و خون شهدای حادثه اهواز، ملت ایران و نیروهای نظامی را متحدتر کرد و مردم اهواز و سایر شهرها این را در تشییع شهدا نشان دادند.

تشییع با شکوه ملت و بدرقه شهدای حادثه تروریستی در تاریخ جاودانه ماند. بوسه رهبری بر پیراهن خونی محمدطاهای ۴ ساله در تاریخ ثبت شد و جنایت تروریست های سفاک در حمله به سربازان بی دفاع وطن و جانبازان مظلوم نشان داد دشمنان این ملت از هر فرصتی برای ضربه به اسلام و ملت ایران استفاده می کنند.

تشییع شهدای حادثه تروریستی به مسئولین دولتی و غیردولتی نشان داد که مردم نه ترسیده اند و نه می ترسند و نه از ادامه راه شهدا خسته اند؛ بلکه این مسئولین اند که باید خود را به مردم برسانند.

سردارسرتیپ حسن شاهوار پور، فرمانده سپاه ولیعصر(عج) خوزستان:
تا آخر در کنار خانواده شهدا خواهیم ماند

سلام و درود می فرستیم به روح مطهر شهدا وامام و شهیدان و ارزوی سلامتی برای امام خامنه ای عزیز

هفته دفاع مقدس نماد مقاومت و ایستادگی ملت عزیز ایران اسلامی در دفاع از اسلام، انقلاب و رهبری خود در طول ۸ سال تهاجم ناجوانمردانه شرق و غرب به کشور بوده است. دفاع مقدس در واقع منبع عظیم تولید قدرت، عزتمندی و اقتدار جمهوری اسلامی بوده است لذا دشمنان زبون در این ۴۰ سال همه ترفندهای تحریمی، تهدیدی وعملیات روانی برای مقابله با این دستاورد مهم انقلاب را به صحنه آوردند اما نه تنها نتوانستند به انقلاب شکوهمند اسلامی ضربه ای بزنند بلکه هر روز بالنده تر از گذشته به پیشرفت خود ادامه داده است.

به همین علت می بینیم که دشمنان برای به زانو در آوردن مردم به ترور های کور روی آورده اند.

البته ملت ما با تقدیم بیش از ۱۷هزار شهید ترور از اول انقلاب تا کنون، به عنوان شاخص ترین قربانی تروریسم در دنیا شناخته شده است.

ترور نشانه عجز و درماندگی است و کسانی که نمی توانند افکار خود را از طریق گفتگو، تولید قدرت، تعاملات موثر پیش ببرند دست به اسلحه شده و اقدام به حذف فیزیکی انسانها می نماید.

در همین راستا دشمنان گمان می کردند که اگردر ۳۱ شهریورماه که نماد قدرت انقلاب است این جنایت را انجام بدهند می شود ضربتی بر پیکر اقتدار انقلاب وارد نمایند.

در تشیع جنازه این شهدا مردم بدون ذره ای ترس یکی از باشکوهترین تشیع جنازه ها از بدو انقلاب تا کنون را رقم زدند و جانشین وقت سپاه در آن جلسه وعده انتقام داده و امام خامنه ای عزیز نیز از گوشمالی عوامل این جنایت خبر دادند.

هر چند ۴ نفر از تروریست ها در صحنه به هلاکت رسیده و مابقی آنها در حال قطعی شدن احکام قضایی خود می باشند ولی نیروهای مسلح که همواره خود را مدافع مردم می دانند. در فاصله کوتاهی گوشمالی سختی به تروریست های جنایتکار دادند تا همگان بدانند که ایران خطه شیران است و آسمان و دریا و زمینش بر روی هر تروریست نفوذی بسته خواهد بود.

من لازم می دانم به خانواده معظم شهدا مجددا تسلیت عرض نموده و به آن ها اعلام می کنم که تا اخر در کنار شما خواهیم ماند و مطالبات شما را پیگیری خواهیم نمود.

جان برکَفیم

چشم بگشا آسمان! خون گلویی می رسد
مستان حق را مژده که جام و سبویی می رسد

از چنگ کفتاران اگر زخمی به جان دل رسید
این قوم رویین‌تن شده، حال نکویی می رسد

مردان مرد جنگ را بیمی ز تیر خصم نیست
بهر شهادت هر زمان لبیک‌گویی می رسد

پایان شهریور ولی آغاز مهر و عاشقی ست
هر لحظه خونی تازه‌تر از لاله رویی می رسد

در نای کارون می‌دود آوای ایثار و جنون
شور نمازی سرخ را آب وضویی می رسد

گر جنگ باشد یا ترور، یا فتنه یا تحریم ها
یا تیر تزویر و ریا هر دم ز سویی می رسد

ایرانی آزاده و پای وطن جان برکفیم
هرچند این آرام را هردم عدویی می رسد

زهرا آراسته نیا